

علامه سید مرتضی عسگری و نقد متون تاریخ اسلام

◇ رمضان محمدی

الْقُرْآنُ الْكَبِيرُ
وَرِوَايَاتُ الْمَدِينِيِّينَ

لِلْكَتَابَةِ الثَّالِثَةِ

مناقشة ما زعمه الأستاذ أحماد الهادي ظهير
«قلت حديث نبوي في تعريف القرآن»
وبيان زيف ما ادعاه

تأليف
السيد مرتضى العسكري



۲۶۴

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴

علامه سید مرتضی عسگری به سال ۱۳۳۲ هـ. ق (۱۲۹۳ ش) در شهر سامرا متولد شد^۱ و در خانواده ای اصیل و اهل علم پرورش یافت؛ مقدمات علوم دینی و مقداری از دروس سطح را در سامرا فرا گرفت و در سال ۱۳۵۰ یعنی در سن ۱۸ سالگی به قم هجرت کرد و مدت پنج سال از محضر اساتید و آیات عظام، مرعشی، شریعتمداری ساوجی، امام خمینی، میرزا خلیل کمره ای، شیخ مهدی شهید و ... بهره مند گردید^۲. در سال ۱۳۵۵ هـ. ق جهت تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات برگشت و همراه تحقیقات علمی، تربیتی و تبلیغی خویش، به فعالیت های اجتماعی پرداخت. پانزده مؤسسه شیعی، از جمله درمانگاه «الرعاية الاسلامیه» و «دانشگاه اصول دین»، یادگار این فعالیت های علامه در بغداد است^۳. در سال ۱۳۷۳ هـ. ق «ریاست جمعیت خیریه اسلامی» را که مرحوم «هبة الدین شهرستانی» تأسیس کرده بود به عهده گرفت. وی در اثر مبارزه با رژیم بعثی عراق تحت تعقیب قرار گرفت و در سال ۱۳۸۹ هـ. ق ناچار به مهاجرت به لبنان شد و در آن جا مشغول مبارزه با استعمار گردید تا این که به کشور خود

ایران بازگشت و منشأ خدمات شایان توجهی شد که تأسیس «مجمع علمی اسلامی» در سال ۱۳۹۸ هـ. ق، تأسیس «دانشکده اصول دین» در سه شهر قم (به سال ۱۳۷۵) تهران (به سال ۱۳۷۶) و دزفول (به سال ۱۳۷۷) از آن جمله است.^۴ دوری از تعصب و رجوع به متون اصیل و دست اول علمای اسلام - اعم از شیعه و سنی - از ویژگی های ممتاز نوشته های علامه است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت را به تمجید از ایشان واداشته و آثار او را مرجع و منبع قابل اعتمادی برای آنان ساخته است.^۵

علامه عسگری در تألیفات فراوانی که به زبان های فارسی و عربی دارد، با بررسی عمیق و دقیق روایات تاریخی و با تکیه بر قرآن و سنت، بسیاری از حقایق تاریخ اسلام را از خلال کتاب های متعدد تاریخی روشن ساخته و برخی از تحریفات واقع شده در تاریخ را بیان نموده است.

روش کلی علامه این است که مصادر و مدارك شریعت اسلامی در دو مکتب خلفا و امامت را که در کتب معتبر آنان آمده است - خصوصاً در چهار کتاب خود: معالم المدرستین، عبدالله بن سبا، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی و روایات ام المؤمنین عایشه در تاریخ اسلام - به طور دقیق بررسی نموده و حقایق را از خلال کتاب های متعدد تاریخی از ساخته های افرادی مثل «سیف کذاب» تفکیک و روشن می نماید.

کتاب های علامه با این که روایات هر مدرسه [مدرسه خلفا و امامیه] را به چالش کشانده و کاملاً علمی و تحقیقی است، دارای بیان روشن و نثری روان، راحت و گواراست، به طوری که عموم خوانندگان را به خود جذب می کند.

علامه عسگری در طول چند دهه گذشته، آثار چندی در زمینه های تاریخ، کلام، قرآن و سایر علوم از خود به جای گذاشته است که برخی از مهم ترین آن آثار عبارتند از:^۶

۱. القرآن الکریم فی عصر الرسول (ص) و ما بعده . ۲. القرآن الکریم فی مدرسة الخلفاء .
۳. القرآن الکریم فی روایات المدرسة اهل البيت (ع) . ۴. معالم المدرستین (در سه جلد) .
۵. احادیث ام المؤمنین عایشه . ۶. عبد الله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی (در سه جلد) .
۷. خمسون و مائة صحابی المختلق (در چهار جلد) . ۸. نقش ائمه در احیاء دین (در چهارده کتابچه درسی) . ۹. علی مائدة الكتاب و السنة . ۱۰. ولایت علی (ع) در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) . ۱۱. نقش عایشه در تاریخ اسلام (در سه جلد) . ۱۲. آخرین نماز پیامبر (ص) .



۱۳. ادیان آسمانی و مساله تحریف . ۱۴ . سقیفه (بررسی نحوه شکل گیری حکومت پس از رحلت پیامبر اکرم (ص). ۱۵ . برگستره کتاب و سنت (مجموعه جزوات ۱۵ جلدی).
 ۱۶ . عقاید الاسلام من القرآن الکریم . ۱۷ . مع التلیدی فی کتاب الانوار الباهره . ۱۸ . فی طریق اهل البيت (ع). ۱۹ . المصطلحات الاسلامیه . ۲۰ . صلاة ابي بکر.

آثار وی در کلام مقارن، بیانگر تأثیرپذیری شدید وی از سید شرف الدین است.
 علامه عسگری در تألیفات خود علاوه بر استفاده از شیوه های محدود تحقیق - از قبیل

روش های توصیفی تاریخی، تحلیلی، مقایسه ای و تکیه بر اسناد - منابع و مراجع بررسی را با تمام شرایط، جست و جو و تحقیق و کنترل کرده است، سپس در پرتو قرآن و سنت صحیح درباره آن ها داوری کرده و به نکات تازه و بدیعی دست یافته است.^۷

نکته ای که تذکر آن لازم است این که پاره ای از روش هایی که در این مقوله به آن اشاره می شود، به صراحت در کتب ایشان بیان نشده، بلکه از کلیات نوشته های ایشان استخراج و انتزاع شده است.

امید است امروزه روش های جدید

تحقیق، با روش های کهن علمای سلف پیوند خورده و شیوه های تحقیقی تکامل یافته ای به دست آید تا نسل جدید پژوهشگر، بتواند مسیر مشخصی را با قوانین علمی ثابت پیماید! البته در قرن حاضر تلاش هایی در تدوین روش های تحقیق فرزنانگان گذشته انجام گرفته، ولی هنوز نوشته ای جامع که در این باب فراگیر بوده و نمونه هایی علمی را در اختیار محققین قرار دهد وجود ندارد.



مهم ترین نکات روشی در تحقیقات علامه عسگری

قبل از پرداختن به روش علامه، لازم است گفته شود که مقصود ما از روش، عبارت است از: شیوه، اسلوب، طریقی و آیین. واضح است که روش با سبک که عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر تفاوت دارد. اما روش های علامه عبارتند از:

۱. توجه به منابع کهن و جدید و پیوند آن ها

علامه در نوشته های خود برای بررسی یک مطلب، افزون بر توجه به منابع کهن، به نوشته های معاصران خود اعم از مسلمانان و مستشرقین توجه دارد و با این که برای اثبات دیدگاه های خود تنها به کتب دست اول علمای اسلام تمسک می کند، به نقل های رشید رضا، فرید وجدی، احمد امین مصری، بستانی یا برخی مستشرقین معاصر مانند فان فلوتن، نیکلسن و ... به دلیل عنایت آنان به منابع قدیم توجه دارد.^۸



۲۶۷

۲. استفاده از آمار، نمودار و جدول

علامه در نوشته های خود برای نشان دادن صحت و سقم و تطور اخبار و مقایسه بین نسخه های متعدد، با هدف به دست آوردن نحوه و مقدار تحریفات از آمار، نمودار و جدول بهره برده است. در سراسر کتاب یکصد و پنجاه صحابی این روش مشهود است.^۹

۳. روشن ساختن منابع و مستندات نقل یک خبر

در نوشته های متعدد به علت تکرار برخی اخبار، از آن ها تصور تواتر شده است که علامه با روشن ساختن منابع و مستندات آن اخبار این تصور را باطل کرده است. به عنوان نمونه می توان به داستان عبد الله سبا اشاره کرد که بیش از دوازده قرن است تاریخ نویسان افسانه او را می نویسند و هر چه از عمر آن می گذرد، شهرت بیشتری پیدا می کند.

علامه عسگری در مورد داستان عبدالله بن سبا که افسانه سرای اولی آن را در لباس حدیث و روایت آورده و نویسندگان بعدی به آن آرایش مخصوصی داده اند، ابتدا به آغاز پیدایش این افسانه و زندگی راویان آن از اولی تا به امروز می پردازد و معلوم می سازد که چه کسانی و با چه

اسنادی این قصه را روایت کرده اند، سپس اصل داستان را آورده آن را تحلیل و نتیجه گیری می کند.^{۱۰}

ریشه یابی این داستان از قرن حاضر تا منبع اصلی این خبر چنین است:

● رشید رضا (م. ۱۳۵۶ هـ. ق) بنا به تصریح خود این داستان را از جزء سوم تاریخ ابن اثیر (صفحات ۹۵ - ۱۰۳) گرفته و به دلخواه خود بر آن چنین حاشیه زده است: اولین کسی که اصول تشیع را از خود ساخت، مردی یهودی به نام عبدالله بن سبا بود که از راه خدعه و نیرنگ اظهار اسلام نمود، وی مردم را به غلو در باره علی - کرم الله وجهه - دعوت می کرد تا میان این امت تفرقه ایجاد نموده دین و دنیای آنان را تباه گرداند.^{۱۱}

● ابن کثیر (م. ۷۷۴ هـ) نیز داستان ابن سبا را از سیف بن عمر نقل کرده و در آخر تصریح کرده است که این خلاصه ای است از آنچه ابن جریر نقل کرده است.^{۱۲}

● ابر الفداء (م. ۷۳۲ هـ) در تاریخ خود المختصر، داستان عبدالله بن سبا را به ضمیمه داستان های نادرست دیگری آورده و در دیباچه کتابش گفته است که مطالب کتاب خود را از تاریخ ابن اثیر گرفته است.^{۱۳}

● ابن اثیر (م. ۶۳۰ هـ) صاحب کتاب الکامل فی التاریخ که داستان مذکور را در ضمن حوادث سال (۳۰ - ۳۶ هـ. ق) نقل کرده، در مقدمه کتاب خود گفته است: مطالب این کتاب را از کتاب تاریخ بزرگ ابوجعفر محمد بن جریر طبری که نزد عامه مردم مورد اعتماد است گرفتم.^{۱۴}

وی در تحقیقات خود، سند گفتار علما و دانشمندانی را که به نحوی عبدالله بن سبا را عامل اصلی اختلاف بین مسلمانان نشان داده و شیعه را به او منسوب کرده اند، به دو دسته تقسیم می کند. سند گفتار دسته اول مانند: ابن خلدون، میر خواند، غیاث الدین فرزند میر خواند، فرید وجدی، بستانی، احمد امین مصری، حسن ابراهیم حسن، فان فلوتن خاور شناس معروف، نیکلسن، دوایت دونالدسن، و ولهاوزن را با توجه به تصریح آنان به محمد بن جریر طبری نسبت می دهد و مستند گفتار دسته دوم مانند ابن بدران در تهذیب ابن عساکر^{۱۵}، ابن ابی بکر در کتاب التمهید، سعید افغانی در کتاب عایشه و السیاسة و ذهبی را سه منبع: تاریخ طبری، تاریخ ابن عساکر و فتوح سیف بن عمر می داند.

در نتیجه، سند همه کسانی که داستان عبدالله بن سبا را نقل کرده اند به نحوی به سیف بن



عمر کذاب می‌رساند که هیچ کس وی را توثیق نکرده و به عکس اتفاق در قدح او دارند.^{۱۶}

نمونه دیگر، روایات اختلاف قرائات است که با همین روش مشخص کرده که این روایات از کتاب القرائات سیاری وارد تفسیر التبیان شیخ طوسی شده و از آن جا به تفسیر ابو الفتح رازی و از آن به تفسیر گازر تا به مستدرک الوسائل یا فصل الخطاب حاجی نوری رسیده است. علامه این نوع روایات را که از طریق منابع اهل سنت وارد منابع شیعه شده، «روایات منتقله» نامیده است.^{۱۷}

۴. استفاده از آراء دانشمندان دیگر

علاوه گاهی برای قوت بخشیدن به تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های خویش از نظرات و آرای دانشمندان سود جسته است. به عنوان مثال وی در باره وصایت علی بن ابی طالب (ع)، ضمن تحلیل وصایت، شواهد زیادی بر این مطلب اقامه می‌کند و علاوه بر استفاده از روایات و نصوص، به نظرات دانشمندانی مانند بیهقی، ابن ابی الحدید و... نیز تمسک می‌کند.^{۱۸} یا بعد از نتیجه‌گیری این مطلب که بسیاری از انحرافات در تاریخ اسلام از سیف نشأت گرفته، شخصیت سیف را مخدوش دانسته و شواهدی از نظریات دوازده نفر از دانشمندان اهل سنت را دلیل ضعف اخبار و شخصیت دروغین سیف می‌آورد.^{۱۹}

۵. تضعیف راوی و روایت با نشان دادن تطور روایت

برای تضعیف یک راوی و روایت، روایات او را ذکر کرده و سپس همان روایت را با روایاتی که از طریق دیگر نقل شده است، مقایسه می‌کند و تصرفات راوی را در روایت نشان می‌دهد.^{۲۰}

نمونه: بعد از نقل روایت سیف در باره جنگ‌های خالد، مطلبی را تحت عنوان «سنجش سخن سیف با دیگران» آورده و در ذیل عنوان فوق گفته است: سیف می‌گوید خلیفه ابوبکر به خالد بن ولید دستور داد تا نیمی از افراد سپاه را برای عزیمت به شام با خود برگزیند، پدانشان ...

اما دیگران می‌گویند که خلیفه ابوبکر به خالد بن ولید دستور داد تا افراد قوی و کارآمد سپاه را انتخاب کند، و از کارافتادگان و بیکاره‌ها را واگذارد. و ...



علامه بعد از سنجش این روایت سیف با روایات دیگر به نتیجه گیری می پردازد و در خصوص داستان فوق با عبارت «دست آورد این داستان» می گوید: علاوه بر اهدافی که سیف در ساختن چنین داستانی در نظر داشته است، در حدیث خود با کمال وضوح تصریح و تاکید می کند که دو قهرمان افسانه ای اش جزء اصحاب آن حضرت بوده اند و ...^{۲۱}

علامه در روش مقایسه بین اخبار که از مهم ترین روش های او برای بازیابی وقایع تاریخی و تشخیص روایات داستانی از غیر داستانی است، به طور کلی چند کار انجام می دهد:

الف. با صبر و دقتی شایسته موارد اختلاف را بیان می کند.^{۲۲}

ب. مفردات و اصطلاحات موجود در برخی روایات را توضیح می دهد.

ج. شرح حال راویان را در صورت لزوم ذکر می کند.

ب. روایات منابع مورد اعتماد را با منابع غیر مورد اعتماد خویش مقایسه و نتیجه گیری می کند.

د. روایات داستانی را که به عنوان وقایع تاریخی ذکر شده اند، نشان می دهد.

در روایات سیف وارد شده است که ریگ های بیابان برای لشکریان اسلام به طور معجزه آسایی تبدیل به آب شد، دریاها به زمین شنزار تبدیل گشت و سپاهیان خلیفه بر روی آب راه رفتند! عمر از مدینه فرمانده خویش را که در دارابگرد بود صدا زد و او را از نظر موضع گیری جنگی راهنمایی نمود و او پیروز شد! یا گله گاوها به سخن در آمدند و مسلمانان را از مخفیگاه خود با خبر ساختند.^{۲۳}

علامه نتیجه گیری ها و داوری های غلط برخی مستشرقان را نتیجه روایات داستانی سیف می داند که برای اسلام و مسلمانان به یادگار مانده است.^{۲۴}

۶. تطبیق برخی حوادث نقل شده با آیات قرآن

برای نمونه روایت عایشه درباره تاریخ نزول تیمم را با آیات قرآن مقایسه و از نظر تاریخی رد کرده است. علامه برای رد سخن عایشه، علاوه بر این که مطالب نقل شده را خلاف فضای حاکم بر جنگ بنی مصطلق می داند، تصریح دارد روایت های دیگری نیز هست که شان نزول آیه را خلاف روایت او بیان کرده، اما ما از بیان آن ها صرف نظر و فقط به خود قرآن رجوع می کنیم.

در شان نزول آیه تیمم در کتاب صحیح بخاری^{۲۵}، صحیح مسلم^{۲۶}، موطا مالک^{۲۷} و ... از

عایشه نقل شده است که در یکی از سفرهای رسول خدا (ص) (بنی المصطلق) وقتی به منزل بیداء یا ذات العجیش رسیدند، حضرت (ص) لشکر را برای پیدا کردن دانه های گردنبند عایشه فرود آورد، در آن سر زمین آب نبود، مسلمانان نیز دچار بی آبی بودند. آن گاه خداوند آیه تیمم را نازل کرد.

وی این نقل عایشه را مخالف با تاریخ نزول آیات ۴۳ سوره نساء... حتی تفتسلوا... و ششم سوره مائده و ان کنتم جنبا... می داند و طبق صریح آیه معتقد است که زمان حکم وضو و غسل با هم بیان شده اند. بنا بر این، نقل عایشه از نظر تاریخی نمی تواند وجهی از درستی داشته باشد، به جهت این که با قضیه تاریخی دیگری که دلالت بر باهم بودن حکم این دو دارد، در تعارض است و قرآن مؤید واقعه ای است که حکم این دو را باهم می داند^{۲۸}.

۷. با کمک از زمان وقوع حوادث دیگر، تاریخ مجهولی را معلوم می کند

برای تعیین تاریخ وضع و جعل احادیث سیف - که به لحاظ مجهول بودن بیوگرافی سیف مجهول است - از قول طبری داستانی را درباره فتوحات ایران ضمن حوادث سال ۲۲ هجری نقل می کند و زمان به وجود آمدن احادیث را مشخص می کند.^{۲۹}

۸. ملاک های عمومی جعلی بودن اخبار در نوشته های علامه

الف. روایات مدح در باره قبایل - علامه از مجموعه روایات نقل شده در باره تمیمیان و نقش های مهمی که در تاریخ اسلام برای آنان گزارش شده است، در نتیجه گیری کلی خود این ملاک و معیار را به دست می دهد که فراوانی نقل ها در برتری یک قبیله و بزرگ نمایی نقش آن ها، نشانه ساختگی بودن آن هاست؛ یعنی بعضی قصد داشته اند با جعل روایات زیاد در فضیلت یک قبیله در طول تاریخ، دلاوری های مثبت آنان را نشان دهند.^{۳۰}

ب. توجه به مصالح عالیله صاحبان قدرت است. به عنوان مثال برخی گزارش های نقل شده در مدح و ستایش سران بنی امیه و خاندان آنان است که آکنده از خلق افسانه های عجیب در انتشار فضایل و مناقب ایشان می باشد، در حالی که از ذکر احادیث در حق عباسیان کمترین اثری نیست. بنا بر این تاریخ ساختن این احادیث پیش از عباسیان بوده است.^{۳۱}

ج. داشتن مسلک مانوی یا زندقه بودن راوی قبل از اظهار مسلمانی و به کار بردن واژه ها و





کلمات غریب و غیر مانوس در متن روایت. مانند روایتی که در آن نام افرادی مثل ابن محراق، جخدب، جرعب و... آمده است که از نام های نامانوس است و در هیچ کتاب و فهرست و طبقاتی چنین نام هایی پیدا نمی شود. مطلبی نیز که از آنان نقل شده، درباره سخن گفتن اسبی است به نام اطلال که بیشتر به سخریه شباهت دارد و خواسته مسلمانان را مسخره کند. چنین اخبار و گزارشاتی جز از یک آدم بی اعتقاد و زندیق نمی تواند نقل شود. ۳۲ یا در رد گزارشی که طبری در حوادث سال ۲۲ هجری نقل کرده واژه الله را که در عبارات به کار رفته دلیل بر جعلی بودن خبر گرفته است، داستان طبری چنین است: پس از شکست ایرانیان در نبرد جلولا، یزدگرد به طرف ری فرار کرد. در این فرار او در داخل محملی خواب بود. به هنگام عبور از آب، یزدگرد از خواب بیدار شد گفت: والله! اگر مرا بیدار نمی کردید، می فهمیدم که ستاره اقبال این امت چه وقت افول خواهد کرد! به خواب می دیدم که من و محمد و خدا به مشورت نشسته ایم، خدا می گفت....

علامه در رد این گزارش تاریخی با استفاده از واژه های به کار رفته در عبارات، این قصه را ساختگی می داند و می گوید: یزدگرد و مجوسیان، زردشتی و دوگانه پرست بودند، لذا آنان کلمه «الله» را نمی شناختند تا به آن سوگند بخورند، بلکه ایمان آنان به اهورامزدا و سوگندشان به آتش مقدس بود، بنابر این داستان نمی تواند درست باشد. ۳۳

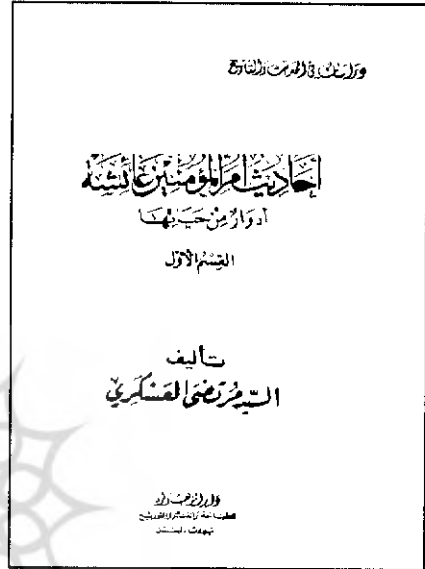
د. وجود نشانه های تعصب در گزارش. علامه ضمن بر شمردن ریشه های تعصب در میان قبایل عرب، نموداری از تعصب در ادبیات عرب را گزارش می دهد و سپس اظهار می دارد که وجود تعصب در بین قبایل عرب دیده واقع بینی و حقیقت نگری آنان را چنان کور ساخته که برخی از آنان را وادار ساخته تا به سود قبیله خویش داستان ها و افسانه های تاریخی بسازند و حتی احادیث دینی و روایت های اسلامی جعل کنند و گاهی آن افسانه ها را با سخنان و اشعار حماسی پیامیزند و به چشم قبیله دشمن بکشند. ۳۴

ه. توجه به مبانی مورخین. به طوری که اگر مورخی اعتقادش بر این بود که مبانی ناقلین اخبار گذشته خلل ناپذیر است، باید اخبار او را بیشتر مورد دقت و بررسی قرار داد به لحاظ این که به جهت این اعتقاد، خود در صدد تمییز بین اخبار صحیح از نا صحیح نبوده و صحیح و سقیم را با هم نقل کرده است. ۳۵

و. احراز عدم همخوانی آن با قطعیات عقلی و تاریخی. ۳۶

۹. تکیه بیشتر در تشخیص روایات ساختگی

اولا به مصادر و مدارك بحث مراجعه کرده و ثانيا به سند؛ به طوری که در برخی نوشته ها مثل القرآن الکریم و روایات المدرستین در تمام مباحث بحثی تحت عنوان «السند» یا «الاسناد» دارد و بعد از بررسی سند به متن روایت می پردازد.^{۳۷}



وی اساس علم تاریخ را «روایت = نقل و قول» می داند و برای تاریخ منبع کسب خبری غیر از آن نمی شناسد و قائل است برای بررسی سند یک روایت یا گزارش نقل شده، ناچار باید روایت مورد نظر را نسل به نسل از پیشینیان تعقیب کرد تا به زمان وقوع خبر و مصدر روایت رسید.

برای این منظور، مصادر را به دو دسته تقسیم می کند: مصادری که سند هر خبر و روایتی را آورده اند؛ مانند طبری، خطیب بغدادی، ابن عساکر و... و مصادری که سند روایات و اخبار را ذکر نکرده اند، مانند یعقوبی، مسعودی، ابن اثیر، ابن خلدون و... .

در قسم اول برای به دست آوردن صحت گزارش، علاوه بر توجه به متن خبر، سند روایات بررسی می شود. اما در قسم دوم که سند ذکر نشده، متن روایت با قطع نظر از سند، با مراجعه به کتاب های دانشمندان گذشته پیگیری می شود تا منشا خبر معلوم گردد. بعد از روشن شدن منشا خبر و توجه به متن آن، به اسناد آن نیز توجه می شود.^{۳۸} بنابراین در بررسی های اخبار و گزارش های تاریخی، اگر سند گزارش مشخص باشد، نخستین مسأله ای که به آن توجه می شود، سند خبر و سپس متن آن است. اما اگر سند آن گزارش مشخص نباشد، ابتدا به متن روایت می پردازد و آن را با روایات دیگر می سنجد، سپس سند آن را در کتب و مصادر دیگر پی می گیرد. به عنوان نمونه، در باره نبرد «فحل» گزارشی را از کتب تاریخی نقل می کند که در آن





آمده است که در نبرد فحل، هشتاد هزار رومی به هلاکت رسید که هلاکت آنان به دست تمیمیان بوده است. سپس در رد آن، ابتدا مصادر این گزارش و مصادر گزارش های خلاف آن را چنین نقل می کند:

داستان فحل را طبری از قول سیف نقل می کند، اما مطالب این داستان روی هم رفته خلاف مطالبی است که سایر مورخین، از جمله بلاذری، آورده اند. ضمناً هیچ یک از مورخین اشاره ای به حضور قهرمانان بنی تمیم نکرده اند. آن گاه از ابن عساکر نقل می کند که مورخین بر آنند که در فتوح شام، هیچ یک از افراد قبایل اسد، تمیم و... شرکت نداشته اند.

بعد از بررسی خبر در مصادر، سراغ سند روایت می رود و در باره سند این گزارش می نویسد: سیف - که در سند گزارش طبری بود - داستان فحل را از قول ابو عثمان یزید روایت می کند که در قبل دانستیم او وجود خارجی ندارد و از راویانی است که سیف آفریده است.^{۳۹} در واقع، با امتزاج دو روش سنجش راویان و بررسی دقیق متن گزارشات، به طور کامل و دقیق کتاب های حدیثی، سیره و تاریخ را مورد ملاحظه قرار می دهد. سپس در پرتو سایر مدارک و مآخذ متن گزارشات را ارزیابی کرده و یکی پس از دیگری از حیث سند و محتوا با همانندشان مقایسه و مورد بحث و انتقاد قرار می دهد و نتایج حاصله از این تحقیق را انتخاب و آن را تحقیقی بر اساس موازین علمی می نامد.^{۴۰}

۱۰. نحوه ارزیابی سند داستان های تاریخی

از مجموعه تحقیقات ایشان بر می آید که در بررسی یک روایت تاریخی، برای احراز متنی نقادانه و مبتنی بر واقعیات باید به ویژگی های ذیل توجه کرد:

الف. شناخت راوی و سند حدیث. به این معنا که اصولاً روایت کننده ای وجود داشته یا نه؟ اگر وجود داشته؛ دارای چه شخصیتی بوده و از چه کسانی روایت کرده است.

طبری در حوادث سال دوازدهم، در ضمن اخبار فتح حیره از سیف نقل می کند که خالد بن ولید بعضی از قلعه های حیره را محاصره نمود. عمرو بن عبدالمسیح برای گفت و گو با خالد در باره صلح از آن قلعه در آمد و کیسه ای هم به کمرش آویخته بود. چون به نزد خالد آمد، خالد کیسه را از وی گرفت و آن چه در آن کیسه بود به کف دست خود ریخت، و از عمرو پرسید: این چیست؟

عمرو گفت: سم مهلک و خطرناکی است. خالد سم را گرفت و با خواندن دعایی آن را خورد و گفت: تا اجل کسی نرسیده باشد، اثر نمی کند!

علامه در بررسی سند داستان فوق سه نفر را نام می برد و در باره آن ها چنین می گوید:

۱. غصن بن قاسم: در تحقیق و بررسی های خود به اسم و مشخصات این راوی بر خورد نکردیم و در کتب مربوط به رجال نام و نشانی از این راوی پیدا نمودیم. لذا او را در سلک جعلیات سیف و در لیست راویان قلابی ای که سیف آنان را در خیال خویش آفریده، محسوب داشتیم.

۲. مردی از کنانه: سیف راوی موهوم را نام گذاری نکرده است.

۳. محمد: منظور از محمد در استاد روایات سیف، پسر عبدالله بن سوادبن نویره است که

تا به امروز شناخته نشده است.^{۴۱}

ب. توجه به زمان صدور و یا جعل روایت. وی در خصوص زمان صدور و جعل روایات

سیف می گوید: روی هم رفته می توان نتیجه گرفت که زمان نشاط و فعالیت سیف در

افسانه پردازی و دروغ سازی هایش اوائل قرن دوم هجری بوده است. این حقیقت را گفته مزی که

مدعی منحصر به فردی است که تاریخ وفات سیف را بعد از سال ۱۷۰ هجری ذکر کرده و ذهبی

که تاریخ وفاتش را در عهد هارون الرشید معین کرده رد نمی کند؛ چه اگر گفته آن دو درست

باشد، باید سیف مدت نیم قرن بعد از تالیف کتاب هایش زنده باشد.^{۴۲}

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۱. تجزیه اطلاعات، ارتباط بین وقایع، استنباط و نتیجه گیری

ابتدا شخصیت های موجود در متن را معرفی می کند. سپس کیفیت ارتباط این شخصیت ها

با حادثه نقل شده را با وقایع دیگر مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری می کند و برای تقویت

استنباط و نتیجه گیری خویش اقوال دانشمندان دیگر را نقل می کند. نتیجه ای که از روش فوق به

دست می آید عبارت است از:

الف. فضای سیاسی، اجتماعی، زمان نقل و انگیزه های راوی از جعل یا نقل آن معلوم می گردد.

مثلا وی انگیزه جعل دو نفر صحابی به نام های معاویه بن رافع و عمرو بن رفاعه را برای مستور

داشتن قیافه نفرین شده معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن عاص می داند که رسول خدا (ص) آن دو

را نفرین کرد^{۴۳}؛ یا بخشی از روایات احراق مرتدین را که به امام علی بن ابی طالب (ع) نسبت





داده اند به این انگیزه می داند که خواسته اند خلیفه اول را - که فجانه سلمی را سوزاند تیره کنند؛ و یا روش امام (ع) را با روش خالد بن ولید - که عده ای از مسلمانان را به جهت عدم پرداخت زکات آتش زد - یکسان جلوه دهند. ۴۴

در نمونه دیگر، روایات و گزارش های رسیده از وقایع صدر اسلام را با توجه به متن، موضوع و واژه های به کار رفته در آن، تقسیم بندی و زمان پیدایی آن ها را مشخص و رابطه بین حوادث را بیان می کند؛ به طوری که فضای جدیدی از واقعه تاریخی خلق می شود. مثلا روایاتی را که درباره امامت خلفای راشدین از رسول خدا (ص) نقل شده است به چهار

صدر و پنجاه صحابی ساختگی

بداهل

بنامه محفل
سید مرتضی عسکری

گروه به ترتیب ذیل تقسیم و با توجه به فضای پیدایی آن ها، زمان جعل را مشخص می سازد.

● احادیثی که نام چهار خلیفه به ترتیب خلافت آن ها آمده است. این احادیث بعد خلافت امام علی (ع) ساخته شده است. دلیل بر این مطلب این است که در این احادیث سخن از دشنام است، و واژه دشنام در زمان معاویه رواج پیدا کرده است که معاویه دستور داد امام (ع) را دشنام دهند (از حضرت نقل شده است که هر کس اصحاب مرا دشنام دهد مرا دشنام داده) و این کار به وسیله معاویه مرسوم شد.

● احادیثی که نام سه خلیفه در آن ها آمده است. این دسته احادیث نیز بعد از خلافت عثمان روایت شده اند. شاهدش نیز آن است که تنها در آن سخن از سه خلیفه اول است، و نیز از کشته شدن عثمان سخن به میان آمده است.

● احادیثی که در آن ها تنها نام شیخین آمده است. این دسته از روایات بعد از خلافت عمر به وجود آمده است و تنها سخن از دو خلیفه اول در میان است.

- روایاتی که اختصاص به خلافت ابوبکر دارد. در این بخش از روایات اسمی از خلفای دیگر نیامده و تنها به فضایل ابوبکر پرداخته شده است^{۴۵}. با توجه به این تحلیل، فضای جدیدی برای روایات نقل شده به وجود می‌آید که در تحلیل سایر وقایع مربوط به آنان نیز مؤثر است.
- ب. ویژگی های عصری را که موجب پیدایش برخی احادیث شده روشن می‌سازد. مثلاً ویژگی های عصر سیف را که روایات زیادی در آن پیدا شده چنین بیان می‌کند: دوران سیف زمانی بود که در آن تعلق خاطر به قبیله و تعصبات قبیله‌ای و حفظ مآثر و افتخارات آن، در تمام شهرهای اسلامی به شدت حکومت می‌کرد، دیگر این که در این زمان، تعصبات خشک و بی‌معنا، میهن سیف (عراق) محل نشاط و خودنمایی مانویان (زندیقان) بود. طبیعی است که در چنین شرایطی زمینه جعل و تحریف هموار و مهیا باشد.^{۴۶}
- ج. به شناخت داستانی بودن روایت کمک می‌کند.
- د. برخی تحریفات به وجود آمده در تاریخ اسلام مشخص می‌شود.
- هـ. میزان اهمیت برخی حوادث در بین گروه‌ها و فرق مختلف معلوم می‌گردد.
- و. تطور برخی روایات تاریخی در باب یک موضوع یا حادثه که در دوره های مختلف به صورت های گوناگونی نقل شده به دست می‌آید.
- ز. مجاری ورود روایات جعلی مشخص می‌شود.^{۴۷}

۱۲. نشان دادن راه های جعل خبر در روایات سیف

علاوه با دسته بندی روایات سیف و استنتاج از مجموعه آن ها، چگونگی جعل در روایت های سیف را روشن ساخته است. وی قائل است اگر اتفاقی برای یک فرد یمانی و یک فرد مضرى واقع شده باشد و سیف نتوانسته باشد آن را با داستان عبد الله بن سبا به نفع مضرى تمام کند، افسانه دیگری ساخته و چنان که شیوه سیف است، قدر و مقام یمنی را در آن داستان پایین و آقایی و موقعیت فرد مضرى را به اثبات می‌رساند^{۴۸} و داستانی را مؤید داستان دیگر و مطلبی را مؤید موضوعی دیگر قرار می‌دهد^{۴۹} و برای این کار از راه های ذیل بهره می‌برد:

- ساختن جنگ های خونین، مانند جنگ با مرتدین.

- جعل افسانه های خرافی، مانند داستان اسود عنسی [مقصود روایت خاص سیف در باره

اسود است].



- جعل و ساختن اشخاص و اماکن موهوم، مانند فرماندهی به نام طاهر و سرزمینی به نام اعلاب.
- خلط و درهم ساختن احادیث.
- تبدیل اسماء راویان حدیث و صحابیان پیامبر (ص) و تغییر قهرمانان وقایع و حوادث^{۵۰}.

۱۳. بر اساس تحلیل و شواهد تاریخی مطلبی را احراز می‌کند

علامه در توضیح مفاهیم مورد قبول هر کدام از فرق اسلامی، با کنکاش در نصوص تاریخی و غیر تاریخی، مطلب مورد قبول آنان را احراز و سپس آن را با مفاهیم مورد قبول سایر فرق مقایسه می‌کند. بعد آن را با سیره رسول خدا (ص) یا لغت و سیره متشرعه محک می‌زند؛ مثلاً وقتی مفهوم خمس را در مکتب خلفا و اهل بیت (ع) بررسی می‌کند، نحوه عملکرد خلفا و اهل بیت (ع) را در طی دوره های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که خمس در نزد هر کدام از این دو، چه مفهومی داشته و شیوه و عملکرد پیامبر (ص) مطابق کدام یک از این دو عملکرد بوده است.^{۵۱}



۱۴. توجه به منابع تاریخی کهن

علامه دیدگاه‌ها و آراء خود را بر کتاب‌های معتبر اسلامی بنا نهاده و به منابع دست اول اکتفا کرده است به طوری که تنها از منابع قبل از چهارم هجری استفاده کرده و تصریح نموده است که از منابع قرن‌های پس از سال پانصد هجری نقل نکرده است.^{۵۲}

۱۵. انکار کلی واقعه پس از انکار جزئیات

با نقل جزئیات یک واقعه نقل شده تاریخی و نشان دادن نادرستی آن‌ها، انکار کلی آن واقعه را نتیجه می‌گیرد. مثلاً در قصه عبد الله بن سبا با انکار حوادث منسوب به ابن سبا و تشکیک در جزئیات آن‌ها، وجود عبدالله بن سبا را منکر شده است^{۵۳}. بدین صورت که روایات مربوط به ابن سبا را تک تک پی‌گیری می‌کند و پس از بررسی متن و سند، آن‌ها را منکر می‌شود و از انکار آن‌ها کذب ابن سبا را نتیجه می‌گیرد. سپس این نتیجه را مبنای استدلال‌های بعدی قرار می‌دهد.

۱۶. انکار قضایای تاریخی با بررسی روایات متناقض آن

علامه عسگری وجود روایات متناقض در باره یک واقعه تاریخی را دلیل بر کذب آن واقعه دانسته است. ۵۴ البته در صورتی اصل گزارش انکار می شود که حداقل مفهوم دو گزارش با هم ناسازگار بوده و همدیگر را انکار کنند. فرق این روش با روش قبلی در این است که در مورد قبلی ممکن است، اصولاً قضایا و روایات مربوط به یک واقعه همدیگر را انکار نکنند.

۱۷. نقد ناقلان وقایع به نقد مبانی آنان

به این معنا که با وقایع تاریخی نقل شده مبانی ناقلان برخی وقایع را نقد زده است به عنوان

نمونه:

ابن حجر در بخش اول مقدمه کتاب الاصابه خود زیر عنوان «تعریف صحابی» با توجه به آن چه از پیشوایان خود در شناخت صحابی رسیده، مبانی را اتخاذ می کند که با توجه به آن مبنا، صحابی بودن گروه بسیاری ثابت می شود. مبنا این است که بنا به گفته ابن ابی شیبه، پیشینیان را رسم بر این بوده که در جنگ ها جز شخص صحابی را به فرماندهی سپاه انتخاب نمی کردند. بنابراین، آنانی که در زمان فتوحات فرمانده سپاه شده اند صحابی بوده اند. ابن حجر با توجه به این مبنا می نویسد: اگر کسی اخبار و رویدادهای جنگی و فتوح اسلامی را بررسی و پیگیری کند، از این دسته صحابیان که ما آنان را در قسمت اول کتاب خود آورده ایم فراوان خواهد یافت. ۵۵

علامه عسگری با آوردن نقل های متعدد تاریخی نشان داده است که افراد غیر صحابی نیز جزء فرماندهان بوده اند و مرتدین نیز در جنگ ها شرکت داشته اند. به عنوان نمونه از کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی نقل می کند که عمر، امرؤالقیس را که به دست او مسلمان شد، پیش از این که حتی نماز بخواند حکومت و ولایت داد. ۵۶

تقریباً بخش های عمده ای از کتاب معالم المدرستین نقل و نقد مبانی و استظهارات اهل سنت با روایت های تاریخی است. وی در آن جا با نقل مبانی اهل سنت در باره تاویل و اجتهاد، و توجیه برخی وقایع تاریخی با توجه به آن مبانی، مثل جنایت خالد در قبیله مالک بن نویره، آتش زدن فجاجه توسط خلیفه اول و ... آن ها را با آوردن نمونه هایی از عملکرد رسول خدا (ص) در موارد مشابه رد می کند. ۵۷

۱۸. استفاده از تاریخ کاربرد کلمه در توضیح اصطلاحات

وی در قسمت اول جلد دوم معالم المدرستین، اصطلاحاتی مانند قرآن، نام های قرآن، معنا و مفهوم کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و مصحف را با استفاده از لغت و موارد استعمالشان را در نزد مسلمانان بررسی می کند. به عنوان مثال در بررسی نام های قرآن می نویسد: از نام های قرآن در نزد مدرسه خلفا، لفظ «مصحف» است، در حالی که این کلمه نه در قرآن آمده نه در حدیث شریف نبوی. تنها زمانی که ابوبکر قرآن را جمع کرد، در صدد برآمد نامی برای آن انتخاب کند. هر کس نامی گفت که ابوبکر نپسندید. ابن مسعود گفت: من در حبشه کتابی دیدم که آن را مصحف می گفتند. از آن پس، همه به قرآن مصحف می گفتند. ۵۸ بعد از این به دفاع از مکتب اهل بیت (ع) می پردازد که مراد از مصحف فاطمه (س) - چنانکه برخی از اهل سنت پنداشته اند - قرآن دیگری غیر از قرآن موجود بین مسلمانان نیست، بلکه اخبار شخصی است که بر امت اسلامی حاکم می شود. ۵۹

۱۹. توجه به روایت های مشهور و طرد روایات غیرمشهور ۶۰

وی روایتی را از قعقاع بن عمرو از طریق سیف بن عمر چنین نقل می کند که روز وفات رسول خدا (ص) پس از نماز ظهر، در مسجد شایع شد که انصار می خواهند با سعد بیعت کنند و پیمان رسول خدا (ص) را بشکنند. ایشان ضمن خدشه در سند این روایت آن را از نظر متن نیز مورد ارزیابی قرار می دهد و می گوید: متن روایت فوق با مهارتی ساخته شده که خواننده آن تصور می کند در باره خلافت مردم با رسول خدا (ص) پیمانی بسته بودند که انصار می خواستند آن پیمان را بشکنند. بنابراین متن روایت برخلاف نقل های تاریخی معتبر در باره سقیفه بنی ساعده و بیعت با ابوبکر است.

هم چنین علامه در بررسی روایات احراق مرتدین که به امام علی بن ابی طالب (ع) نسبت داده شده و حوادث نقل شده پیرامون این موضوع گفته است: اگر این حوادث واقعیت داشت چگونه بر مورخین مخفی مانده است ... ۶۱؟

۲۰. فرضیه سازی بر اساس حوادث نقل شده تاریخی و تایید آن با قرآن و حدیث

وی نمونه ای تاریخی ذکر می کند مبنی بر این که در جنگ خیبر فرمانده یهودیان بر رسول



خدا(ص) اعتراض کرد که چگونه بر شما رواست که حیوانات ما را بکشید و میوه های درخت های ما را بخورید و ...؟ حضرت پس از این اعتراض یهودی دستور داد مسلمانان جمع شدند، خطبه ای خواند و فرمود: آیا فکر می کنید که خداوند چیزی را حرام نکرده مگر آن که در قرآن هست و خارج از آن حرامی نیست؟ آگاه باشید آن چه من گفتم مانند آن هایی است که در قرآن می باشد. ۶۲

با توجه به این گزارش، علامه فرضیه ای می سازد مبنی بر این که دو قسم وحی داریم: وحی قرآنی و وحی غیر قرآنی، سپس نتیجه می گیرد که تنها با قرآن همه احکام دینی فهمیده نمی شود و بر این گفتار خویش حدیثی از رسول خدا(ص) نقل می کند که فرمود: آگاه باشید که خداوند برای من قرآن را فرستاد و همراه آن حقایق فراوان دیگر بمانند آن ۶۳.

در خاتمه لازم به ذکر است که حساسیت نسبت به رخدادهای مهم وقایع تاریخ اسلام (مثل حادثه سقیفه، و ...)، توانایی ساختارسازی در بحث، خلاقیت، آگاهی از موضوعات، روش مطلوب جمع آوری و نشان دادن غلط های فاحش تاریخی که دانشمندان بزرگ مرتکب شده اند، از ویژگی های تحقیقات علامه عسگری است.

نمونه ای از این حساسیت های علامه که برخی از بزرگان علما به آن توجه نکرده اند این که: یکی از اخبار ساختگی سیف داستان جراد بن مالک بن نویره و طاهر ابو هاله تمیمی است که ابن حجر آن دو را در الاصابه آورده و دانشمند جلیل القدری چون سید شرف الدین نیز با اعتماد به سخن ابن حجر به اشتباه افتاده است و جراد و ابو هاله را بدون این که سند بدهد از جمله بزرگان صحابه دانسته که از شیعیان و پیروان امام علی (ع) بودند.

قبل از شرف الدین بزرگانی مانند شیخ طوسی (ره) در کتاب رجال و مامقانی (ره) در تنقیح المقال، افرادی چون قعقاع بن عمرو تمیمی، زیاد بن حنظله و نافع بن اسود تمیمی را که از ساخته های سیف بن عمر تمیمی کذاب هستند، از شیعیان علی بن ابی طالب شمرده اند ۶۴. وی علما و دانشمندانی که برای صحابه رسول خدا (ص) شرح حال نوشته اند و اصحاب ساخته دست سیف را جزء صحابه حقیقی او نام برده یا برای قهرمانان خیالی و افسانه ای سیف شرح حال نوشته اند یا به نحوی ساخته های سیف در نوشته های آنان راه یافته است را قریب به هفتاد نفر ذکر می کند که عمده آنان قبل از قرن دهم وفات یافته اند. ۶۵



□ منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی الکرام، الکامل فی التاریخ؛ دار بیروت، بیروت.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، البداية و النهاية؛ تحقیق علی شیری، دار احیاء تراث عربی، بیروت: ۱۴۰۸.
- ابو الفداء اسماعیل بن علی، المختصر فی اخبار البشر؛ دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۷.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، کتاب البخاری؛ دار الفکر، بیروت: ۱۴۰۱.
- عسگری، مرتضی، احادیث ام المؤمنین عایشه و ادوار من حیاتها، دار الزهراء، بیروت: ۱۴۱۳.
- عسگری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین؛ دانشکده اصول دین، قم: ۱۳۷۸.
- عسگری، مرتضی، عبد الله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی؛ مترجمین: فهری، نجمی، هریسی، مجمع علمی اسلامی، تهران: ۱۳۷۰.
- عسگری، مرتضی، معالم المدرستین؛ مؤسسه بعثت، تهران: ۱۴۱۲.
- عسگری، مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین؛ اتحاد، تهران.
- عسگری، مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، مترجمین، سردارنیا، نجمی، هریسی، جاودان، مرکز انتشاراتی منیر، چاپ هشتم، تهران: ۱۳۷۵.
- عسگری، مرتضی، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی؛ مترجم عطا محمد سردارنیا، نشر کوکب، تهران: ۱۳۶۱ هـ.
- فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.
- مالک بن انس، کتاب الموطأ؛ محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۶.
- مسلم نیشابوری، صحیح مسلم؛ بیروت: دار الفکر، [بی تا].



□ بی‌نوشت‌ها:

۱. فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۷۸.
۲. کتاب ماه (دین)، سال اول، اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۷ و ۶، ص ۱۲.
۳. نقش عائشه در تاریخ اسلام، ترجمه محمد علی جاودان، ج ۳، ص ۹، مقدمه مترجم.
۴. فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۰۵.
۵. نامه های دانشمندان اهل سنت در تمجید از علامه در مقدمه کتاب های ایشان درج شده است.
۶. کیهان فرهنگی، دی ۸۰- شماره ۱۸۳، ص ۵۷؛ کتاب ماه (دین)، سال اول، اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۷ و ۶، ص ۱۴.
۷. عبدالله بن سبا، ج ۳، ص ۳۸.
۸. همان، ج ۱، ص ۴۷ به بعد.
۹. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، مترجم سردارنیا، ج ۳، ص ۴۵. برای نمونه های استفاده ایشان از آمار جهت نشان دادن صحت و سقم اخبار ر. ک: القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۳۹، ۲۹۷، ۳۶۴.
۱۰. عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۴۷ و ۳۴.
۱۱. الشیعه و السنه، ص ۴-۶ به نقل از عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۴-۶.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، البداية و النهایة، ج ۷، ص ۱۸۸.
۱۳. ابو الفداء اسماعیل بن علی، المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۱۱.
۱۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۳.
۱۵. وی متوفای ۱۳۴۶ هـ. ق است که تاریخ ابن عساکر را مختصر کرده و آن را تهذیب ابن عساکر نامیده است.
۱۶. عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۶۶.
۱۷. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۵۴۸؛ فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۶. نمونه دیگر آن ر. ک: یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۳، ص ۲۸۰.
۱۸. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۱۳.
۱۹. عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۷۰ و ج ۳، ص ۵۰.



۲۰. همان، ج ۲، ص ۲۰۰ و ج ۳، ص ۳۵.
۲۱. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، مترجم مردارنیا، ج ۱، ص ۲۸۴.
۲۲. عبد الله بن سبا، ج ۳، ص ۲۴؛ ۴۴؛ ۴۵.
۲۳. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۱، ص ۱۰۷؛ عبد الله بن سبا، ج ۲، ص ۱۸۲.
۲۴. عبد الله بن سبا، ج ۲، ص ۲۱.
۲۵. کتاب بخاری، ج ۱، ص ۸۶.
۲۶. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۹۲.
۲۷. مالک بن انس، کتاب الموطأ، ج ۱، ص ۵۳.
۲۸. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۱، ص ۲۴ و ج ۳، ص ۸۱.
۲۹. همان، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۵.
۳۰. همان، ج ۳، ص ۶۶ و ج ۱، ص ۲۷۰.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۱.
۳۲. همان، ج ۱، ص ۱۹۱.
۳۳. همان، ج ۱، ص ۳۵.
۳۴. همان، ج ۱، ص ۸۸.
۳۵. همان، ج ۳، ص ۵۳.
۳۶. عبد الله بن سبا، ج ۳، ص ۴۹؛ احادیث ام المؤمنین عائشه، ج ۱، ص ۷۸.
۳۷. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۳، ص ۷۳.
۳۸. همان، ج ۲، ص ۳۲.
۳۹. همان، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۲۶۴ و ۱۹۰ و ۱۷۸.
۴۰. نقش عائشه در تاریخ اسلام، مترجم هریسی، ج ۲، ص ۲۷۵.
۴۱. عبد الله بن سبا، ج ۲، ص ۱۳۳.
۴۲. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۱، ص ۳۷.
۴۳. عبد الله بن سبا، ج ۲، ص ۱۹۹.
۴۴. همان، ج ۳، ص ۴۵.
۴۵. احادیث ام المؤمنین عائشه، ج ۱، ص ۷۲-۷۱.



۴۶. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۱، ص ۳۸.
۴۷. فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۷.
۴۸. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۱، ص ۹۸.
۴۹. همان، ج ۱، ص ۱۹۲.
۵۰. همان، ج ۱، ص ۱۹۱.
۵۱. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۹۶ به بعد.
۵۲. عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۳۴.
۵۳. همان، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۲۰۰۴.
۵۴. همان، ج ۳، ص ۲۴ و ۲۷.
۵۵. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۴، ص ۲۸.
۵۶. همان، ج ۴، ص ۲۴.
۵۷. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۷۴ به بعد.
۵۸. همان، ج ۲، ص ۱۴.
۵۹. همان، ج ۲، ص ۳۴.
۶۰. عبدالله بن سبا، ج ۱، ص ۸۸.
۶۱. همان، ج ۳، ص ۵۰.
۶۲. نقش ائمه در احیاء دین، ج ۲، ص ۲۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶۳. همان، ج ۲، ص ۱۹.
۶۴. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۳، ص ۳۸۵. *پرتال جامع علوم انسانی*
۶۵. همان، ج ۱، ص ۱۰۴.

